

# بررسی ادراک دانشجویان از احساس امنیت اجتماعی

## (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۲۱

عبدالحسین کلانتری<sup>۱</sup>، رویا جهانبخش<sup>۲</sup> و داود شهپری<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۲

### چکیده

زمینه و هدف: امنیت در هر جامعه بستر رشد و توسعه آن را فراهم می‌کند و ارتباط مستقیمی با ادراک افراد جامعه دارد. ضعیف دانستن امنیت در وهله اول یک احساس تلقی شد، اما در مرحله حادثه به یک آسیب اجتماعی تبدیل می‌شود. با گسترش شهرنشینی و افزایش حضور زنان در جامعه، توجه به امنیت زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه ضروری است. این مقاله ادراک دانشجویان دختر از امنیت اجتماعی را بررسی می‌کند. روش: پژوهش حاضر به شیوه کیفی و با استفاده از ابزار مصاحبه عمیق با ۱۰ نفر از دانشجویان دختر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، به بررسی ادراک آنان از احساس امنیت پرداخته است. این افراد به طور تصادفی از بین دانشجویان انتخاب شده و مورد پرسش قرار گرفته اند و از آنجا که هدف پژوهش مطالعه درک و تصور دانشجویان از احساس امنیت اجتماعی است، روش تحلیل مضمون مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌ها و نتایج: این مطالعه نشان داد که دختران دانشجویان در جامعه هدف، امنیت اجتماعی را با داشتن آزادی عمل و عدم هراس از مواجهه با مزاحمت‌های مردان ادراک می‌کنند. واژه‌های کلیدی: امنیت اجتماعی، احساس امنیت، دختران، تحلیل مضمون، دانشجویان.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. [abkalanterri@ut.ac.ir](mailto:abkalanterri@ut.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. نویسنده مسئول: [r.jahani68@gmail.com](mailto:r.jahani68@gmail.com)

۳. کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران [davoudshahpari@yahoo.com](mailto:davoudshahpari@yahoo.com)

## مقدمه

امنیت<sup>۱</sup> از جمله مسائلی است که همیشه دغدغه جوامع بشری بوده و وجود آن در زندگی انسان‌ها چنان حائز اهمیت است که سایر فعالیت‌های بشر بدون آن با اختلال مواجه می‌شود. پس از اجتماعی شدن انسان‌ها و شکل‌گیری اجتماعات، توجه به امنیت در سطح اجتماعی مطرح شد. امنیت زیربنای تأمین سایر مایحتاج می‌باشد، از این رو دغدغه اصلی یک حکومت تأمین امنیت است، چراکه در صورت توفیق در این امر، از یک سو شایستگی و صلاحیت حکومت به اثبات می‌رسد و از سوی دیگر زمینه جلب مشارکت عمومی برای هر نوع همکاری بعدی فراهم می‌شود (خادمی، ۱۳۸۷: ۲).

امنیت اجتماعی<sup>۲</sup> در روند گسترش ابعاد امنیت ملی<sup>۳</sup> و ضرورت توجه به عرصه‌های گوناگون زندگی مطرح شد. امنیت ملی تحقق خویش را در بعد نظامی میسر می‌داندست و با دسترسی به تجهیزات نظامی و افزایش نیروهای متخصص نظامی وعده امنیت را برای شهروندان مطرح می‌نمود. بوزان<sup>۴</sup> ابعاد دیگری که عبارت‌اند از امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت محیط‌زیست و امنیت اجتماعی را به بعد نظامی افزود و تحقق امنیت را با توجه به تنوع ابعاد امنیت ملی مطرح نمود (ناییبی، خادمی، رشنودی، امیری، ۱۳۹۲: ۳۶). امنیت اجتماعی که یکی از این پنج مقوله است، علاوه بر یک ضرورت انسانی، یک عنصر مهم در توسعه سیاسی است. همان‌طور که توسعه اقتصادی به امنیت اقتصادی و سیاسی نیاز دارد، توسعه سیاسی نیز مستلزم وجود امنیت اجتماعی، امنیت داخلی و ملی است (محمدی، ۱۳۷۳: ۵).

وقتی سخن از امنیت اجتماعی به میان می‌آید و بر بسترهای اجتماعی امنیت بخش تأکید می‌شود، نباید آن را با امنیت عمومی<sup>۵</sup> یکی انگاشت. امنیت عمومی در پی حفظ عموم شهروندان از گزند آسیب‌ها و تعارضات و خطرات عینی و فیزیکی مانند خطرات جانی، مالی و غیره است و با متخلفان و مجرمان این‌گونه آسیب‌ها مقابله می‌نماید، در حالی که امنیت اجتماعی به پیوندها و تعلقات مشترک میان اعضای گروه‌ها و اجتماعات نظر دارد و به حفظ تعلقات و پیوندهایی که شیرازه مجموعه را تشکیل می‌دهد، معطوف است (نویدینیا، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۴).

برای آنکه امنیت مفهومی دقیق یابد، لازم است قیدهایی بر آن زده شود؛ بنابراین چگونگی دریافت ما

- 
1. safety
  2. Social safety
  3. National safety
  4. Barry Buzan
  5. General safety

از امنیت، اینکه چگونه می‌توان آن را درک کرد، بستگی به انواع قیود و چندوچون‌هایی دارد که برای آن قائل می‌شویم (کافی، ۱۳۸۷: ۲). هورل<sup>۱</sup> معتقد است موضوع امنیت باید در سطحی پایین‌تر از دولت، یعنی انسانیت به‌طور کلی - مردم در کل و نه شهروندان یک دولت خاص - بررسی شود (کافی، ۱۳۸۷: ۳).

تعاریف لغوی امنیت عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) می‌باشد. تهدیدات مورد اشاره (خطر و تردید) بسیار مبهم هستند و احساس ایمنی ذهنی یا اعتماد به دانسته‌های فرد، به‌هیچ‌رویی به‌منزله وجود امنیت واقعی یا درستی دریافت‌های شخصی نیست (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). طبق تعریف، امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی است. احساس امنیت اجتماعی<sup>۲</sup> (بعد ذهنی) به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (افشار، ۱۳۸۵: ۴). بر این اساس امنیت، ارتباط مستقیمی با ذهنیت و ادراک مردم دارد. در واقع، نداشتن یا ضعیف دانستن امنیت، در وهله اول، تحت عنوان یک احساس تلقی شده اما در مرحله حادثه، به‌صورت یک واقعیت یا پدیده اجتماعی بروز می‌کند که در این مرحله به یک معضل و آسیب اجتماعی تبدیل شده و می‌تواند اقتدار و مشروعیت خرده نظام سیاسی را به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت تضعیف کرده و آن را با بحران مواجه کند (حسینی نثار، ۱۳۹۱: ۲). از طرف دیگر ترس از ناامنی می‌تواند تأثیرات روان‌شناختی گسترده‌ای، شامل اضطراب، بی‌اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا و عدم رضایت از زندگی ایجاد کند، همچنین ممکن است انسان‌هایی که دچار آن هستند برای مقابله با ترس خود به مواد مخدر و الکل روی آورند. برای اجتناب از قربانی بزه واقع‌شدن، از مکان‌های معین و افراد غریبه و بیگانه دوری کنند و در نتیجه فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها محدود شود و یا اینکه با تهیه اسلحه و سایر تجهیزات ایمنی حائلی امنیتی در روابط اجتماعی خود با دیگران را ایجاد کنند (خادمی، ۱۳۸۷: ۳).

با گسترش شهرنشینی و پیچیده‌تر شدن ابعاد شهر روابط بین فضا و انسان، معنای جدیدی یافته است، اما آنچه در این میان تغییری نکرده نیاز به امنیت است. احساس امنیت و آرامش شهروندان در محیط خانه، محل کار، زندگی و رفت‌وآمد و... از عوامل مهم و تأثیرگذار بر کیفیت زندگی آنان است (رضوان، ۱۳۹۱: ۳۸۸). نظرسنجی در هشت شهر بزرگ ایران (تهران، همدان، ارومیه، شیراز، کرمان، یزد، اصفهان و مشهد) به‌منظور تعیین میزان امنیت آنان نشان داد ۸۱ درصد ساکنان در این شهرها احساس

1. Horrell

2. Social sense of safety

نامنی می‌کنند (عربی به نقل از رضوان، ۱۳۹۱: ۳۸۸). بر مبنای آمارها، در تهران، رابطه معناداری بین مناطق مختلف و ماهیت و تکرار جرائم وجود دارد؛ لذا می‌توان این مناطق را برپایه کیفیت امنیت شهری طبقه‌بندی کرد. متأسفانه در برخی مناطق تهران، به دلایل مختلف اجتماعی و اقتصادی و حتی فعالیتی، زمینه‌های مساعدتری برای بروز و تشدید ناامنی وجود دارد، از این‌رو زندگی اجتماعی مردم با مشکلات جدی روبه‌رو شده است (عربی به نقل از رضوان، ۱۳۹۱: ۳۸۹).

نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند اما نتایج بدست آمده از تحقیقات، بیانگر سطوح پایین احساس امنیت اجتماعی زنان است. مسئله‌ای که آن‌ها همواره نسبت به آن احساس نگرانی می‌کنند، احساس عدم امنیت آن‌ها در خارج از محیط خانه است. این ناامنی‌ها می‌تواند در مکان‌های عمومی، خیابان، محیط کار، دانشگاه و... صورت گیرد. امروزه با گسترش جوامع و افزایش حضور زنان در خارج از خانه برای اموری چون ادامه تحصیل، اشتغال و غیره برقراری امنیت اجتماعی آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است (نوروزی، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۶).

ولنتاین<sup>۱</sup> معتقد است درک یک زن از امنیت به‌طور قوی با این ارتباط دارد که چگونه او در ارتباط با هر دو نوع محیط فیزیکی و اجتماعی اطرافش احساس راحتی می‌کند و آن‌ها را چگونه می‌شناسد؛ در نتیجه به عقیده او، ارتباطات اجتماعی در یک فضا و گروه‌هایی که آن فضا را از نظر اجتماعی کنترل می‌کنند، اثری مهم‌تر از طراحی آن دارند که یک زن در آن فضا احساس امنیت بکند (بل<sup>۲</sup> به نقل از بمانیان، ۱۳۸۸: ۵۴). به باور برخی متفکران، مطالعه احساسات به علت تأثیری که بر رفتار گذاشته است و سمت‌وسوی آن را تعیین می‌کند در علوم رفتاری و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها از اهمیت خاص برخوردار بوده و جایگاه ممتازی را به خود اختصاص داده است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۲).

توجه به شهرها بر اساس تفکیک کارکردها به شیوه سنتی هرچند باعث گسترش شهرنشینی و توسعه شهرها شده، اما همزمان میزان ناامنی در شهرها نیز افزایش یافته است و مانع از آن شده که ساکنان آن بتوانند به‌عنوان شهروندانی فعال ایفای نقش کنند. زنان که امروزه همپای مردان به کار و فعالیت پرداخته و در زمان‌های بسیار، وقت خویش را در خارج از خانه می‌گذرانند، امکان مواجهه با آسیب‌های اجتماعی برای آنان افزایش یافته است. از این‌رو چنین به نظر می‌رسد که بحث امنیت اجتماعی زنان بیش‌ازپیش اهمیت یافته و به‌واسطه پایین بودن میزان امنیت زنان نسبت به مردان، جدی‌تر مورد بحث قرار می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). فقدان یا پایین

1. valentine

2. W. Bell

بودن امنیت اجتماعی زنان علاوه بر ایجاد عوارض جسمی و روحی و هزینه‌های درمانی و اجتماعی، پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون بالا رفتن تنش، استرس و اضطراب و بیماری‌های روحی و روانی همچون افسردگی برای زنان را به دنبال دارد (صادقی به نقل از افشانی، ۱۳۹۱: ۱۴۷). به همین منظور مطالعه احساس امنیت زنان در فضاهای شهری و از نگاه خود آنان، مهم و ضروری به نظر می‌رسد. به علاوه، پی بردن به این موضوع که کنشگران اجتماعی چه تصویری از احساس امنیت اجتماعی دارند منجر به رفع ابهامات از مسئله موردنظر می‌شود و سیاستگذاران و برنامه ریزان شهری را در جهت رفع مشکلات موجود در این زمینه یاری می‌رساند. با این وصف، این مقاله قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد که زنان، احساس امنیت اجتماعی را چگونه درک، تفسیر و معنا می‌کنند.

**پیشینه پژوهش:** مساله امنیت زنان در سال‌های اخیر، موضوع مطالعات فراوانی بوده است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. نتایج پژوهش دلاور (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی مقایسه‌ای احساس امنیت در تهران، یزد و کل کشور» نشان داد که ۲۳٪ از شهروندان نگران امنیت جانی خود هستند، ۳۴٪ در بعد اقتصاد فردی احساس ناامنی می‌کنند، ۳۰٪ در مورد امنیت ناموسی احساس ناامنی می‌کنند، ۵۷٪ در بعد اقتصاد عمومی احساس ناامنی می‌کنند و ۷۸٪ نگران افزایش ناامنی در اجتماع هستند؛

پژوهشی با عنوان «بررسی میزان امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهرانی» که توسط مراکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در سال ۱۳۸۲ انجام گرفته است نشان داد که جرائمی نظیر، کلاهبراری، سرقت، خرید و فروش مواد مخدر، ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم و وجود دختران فراری و زنان خیابانی به‌عنوان پنج جرم مهم شهر تلقی شده و در وضعیت‌هایی چون حمل پول نقد به مقدار زیاد، ترک اتومبیل در خیابان بدون قفل و دزدگیر، تردد به‌تنهایی در شب، سوار کردن مسافران در خیابان‌های خلوت خصوصاً در شب و تردد با ماشین‌های مسافربری شخصی در شب، بیشترین احساس ناامنی را در افراد ایجاد می‌نماید؛

یافته‌های پژوهش دیگری با عنوان «بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری» (قرایی و رادجهانبانی، رشیدیپور، ۱۳۸۹) نشان داد حس امنیت برای ساکنین محلات مختلف شهری متفاوت می‌باشد. به علاوه، حس امنیت در مناطق شمالی شهر در هنگام شب و روز متفاوت است و این تفاوت در میزان کاهش حس امنیت شب‌هنگام در میان زنان و مردان محسوس است ولی در مورد مناطق مرکزی تفاوتی در میزان حس امنیت زنان و مردان مشاهده نمی‌گردد و شب‌هنگام، امنیت برای خروج از منزل برای آنان به یک‌میزان کاهش می‌یابد. یافته دیگر این تحقیق نشان داد که مردم در انتخاب فضاهای ناامن در کل شهر تفاهم نسبی دارند. اکثریت آن‌ها محله‌های پایین‌شهر، حاشیه ساختمان‌های نیمه‌کاره و

کوچه‌های خلوت و تاریک را، فضایی با امنیت کم ارزیابی می‌کنند. این حس عدم امنیت، در خیابان‌های شلوغ و مملو از جمعیت کاهش می‌یابد. مردم حضور مؤثر پلیس، ارتقاء سطح فرهنگی و وجود شرایط مناسب فضا را از مهم‌ترین عوامل ایجاد حس امنیت می‌دانند؛

میگ لیرینی<sup>۱</sup>، رانیا<sup>۲</sup>، کاردینالی<sup>۳</sup>، مانتی<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) در پیمایشی با عنوان «احساس امنیت و محیط شهری» به مطالعه و بررسی احساس امنیت/ ناامنی که در پی زندگی در مناطق شهری ایجاد می‌شود و ارتباط آن با رفاه و عزت‌نفس پرداختند. آن‌ها دریافتند که در ارتباط با احساس ناامنی جنسیت عامل مهمی است و رویدادهایی که منجر به بروز نگرانی و ترس از قربانی شدن در دختران و پسران می‌شود، متفاوت‌اند.

پژوهشی که بل<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) با عنوان «زنان و امنیت اجتماع» انجام داد بیانگر آن است که زنان تجربه متفاوتی از امنیت و زمینه شهری در مقایسه با مردان دارند و این به طرز خاصی دستیابی برابر زنان به محیط، به‌عنوان یکی از فاکتورهای توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌طور کلی به عقیده آن‌ها احساس ناامنی زنان ناشی از تجربه آن‌ها از مکان‌ها است.

در مجموع به نظر می‌رسد پژوهش‌های صورت گرفته درباره امنیت اجتماعی زنان به مطالعه و بررسی میزان امنیت اجتماعی آنان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند و پژوهش حاضر در پی دستیابی به درک و فهم زنان از مسئله احساس امنیت اجتماعی است.

**چارچوب نظری:** از منظر جامعه‌شناسی سطوح متعددی برای امنیت در نظر گرفته شده است که مهم‌ترین آن‌ها امنیت در سطح خرد و کلان است (نادری، جاهد، شیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۸) بر این اساس، تعاریف مربوط به امنیت حداقل در سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول تعاریفی هستند که بر تهدید هویت جمعی تأکید دارند. بوزان<sup>۶</sup> امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو گروه خاصی تلقی نموده‌اند. از دیدگاه وی امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی و... در حفظ هستی و هویت خود. در واقع، بوزان امنیت را حالت فراغت از هویت جمعی و گروهی تلقی می‌کند؛

1. Laura Migliorini and others
2. Nadia Rania
3. Paola Cardinali
4. Mara Manetti
5. bell
6. Buzan

دسته دوم تعاریف، امنیت را به عنوان فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش‌های جامعه می‌دانند. اگر امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان بدانیم، بنابراین می‌توان امنیت اجتماعی را رفع تهدید از عنصر اتصال‌دهنده اعضای جامعه به یکدیگر در نظر گرفت؛ دسته سوم از تعاریف، بر فراغت جمعی از تهدیدی که عمل غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد و یا گروهی که در تمام یا قسمتی از جامعه به وجود آورده است، تأکید می‌ورزد (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۹).

اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای اولین بار در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کار برد. وی امنیت اجتماعی را به قابلیت حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط دانسته است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). بوزان امنیت اجتماعی را تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج مقوله‌ای امنیت در نظر آورده است. دیگر بخش‌های این رویکرد عبارتند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست - محیطی (پانیک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۲۹).

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدامی‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (نبوی، حسین زاده، هاجر، ۱۳۸۹: ۷۶؛ کالینز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). نکته‌ای که بوزان باظرافت به آن اشاره می‌کند، این است که ممکن است در جامعه‌ای امنیت وجود داشته باشد، اما به دلایلی فرد احساس امنیت نکند. وی می‌گوید که احساس ایمنی ذهنی یا اعتماد به دانستنی‌های فشرده، به هیچ‌روی به منزله وجود امنیت واقعی یا درستی دریافت‌های شخصی نیست؛ برای مثال، اگر فرد مرفهی را در کشوری مرفه در نظر بگیریم، نمی‌توان چندان مطمئن بود که امنیت در مفهوم جامع آن برای وی تأمین گردد، چراکه هر یک از افراد جامعه اعم از غنی و فقیر به‌طور نسبی در معرض تهدیدات مختلفی، از جمله تهدیدات طبیعی (مانند زلزله، قحطی، سیل)، تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (سرقت یا تخریب اموال، عدم اشتغال)، تهدیدات حقوقی (زندانی شدن، فقدان آزادی بیان)، تهدیدات موقعیتی (از دست دادن شغل، تنزل رتبه)، تهدیدات اجتماعی (نبود اعتماد، فقدان تعهد، از دست دادن آبرو و ارزش‌های اخلاقی)، تهدیدات فرهنگی (عدم دسترسی به دانش و معرفت، تضعیف الگوهای فکری - رفتاری) قرار می‌گیرند (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶).

به عقیده بوزان، عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند، ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا

1. Panik, Branka  
2. Collinz, Alan

مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز هویت خود، متغیر باشند. به عقیده بوزان، این عوامل ممکن است شامل ممنوعیت به‌کارگیری زبان، نام‌ها، لباس‌ها، بستن مکان‌های آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع باشند. بنابراین، برخی از تهدیداتی که متوجه امنیت اجتماعی جامعه می‌شوند، ممکن است نظامی باشند، مانند کشتن اعضای گروه و فتح قلمرو تاریخی آن‌ها، اما برخی دیگر نیز ممکن است غیرنظامی باشند، مانند محروم کردن از حقوق، زبان و آزادی دینی و شیوهٔ پرستش (صالح، ۲۰۱۰: ۲۳۱).

به‌طور کلی، از نظر بوزان آنچه باعث می‌شود گروه اجتماعی سامان گیرد، احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آن‌ها کلیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که مبنای تعریف اعضا از هستی خویش خواهد بود و شناسایی دیگران به‌عنوان بیگانه و خارجی. پس گروه اجتماعی آن کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و از آن به‌عنوان «ما» یاد می‌کنند. برای مثال، ما مسلمان‌ها، ما زنان و... حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای تهدید امنیت اجتماعی قلمداد می‌گردد (نوید نیا، ۱۳۸۲: ۶۵).

ویور<sup>۱</sup> از دیگر نظریه‌پردازان مکتب کوپنهاگ در کتاب «هویت» می‌گوید که رویکرد پنج بعدی بوزان، امروزه در بافت امنیت اجتماعی غیرقابل قبول است. وی حوزهٔ امنیت را برحسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرند. امنیت اجتماعی در نظریهٔ ویور بخشی از امنیت دولتی به‌شمار می‌رود، اما به‌عنوان یک بخش مستقل هم (که بوزان از آن غفلت ورزیده) به آن ارجاع داده شده است. در حالی که امنیت ملی، درگیر و دل‌مشغول تهدیداتی است که متعرض دولت می‌شوند، امنیت اجتماعی نگران تهدیداتی است که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند. بنابراین، اگرچه دولت اکنون محمل و مرجع امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی است، اما اجتماع نیز در حد خود، مرجع امنیت اجتماعی به‌شمار می‌رود (روی، ۱۳۸۲: ۶۸۲). با چنین نگرشی امنیت اجتماعی تنها با کاربرد آن برای بررسی گروه‌ها یا واحدهای جمعی که به‌عنوان واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی شناخته شده‌اند، فهمیده می‌شود و مفهوم امنیت اجتماعی با هر شکل خاص اجتماع سیاسی مانند گروه‌های ملی، گروه‌های قومی یا اجتماعات مذهبی ارتباط پیدا می‌کند. از آنجاکه همهٔ جوامع یک تعداد از گروه‌های با هویت خاص خود را دارند (مثل زنان)، بنابراین، این گروه‌ها، واحدهای ابتدایی تحلیل امنیت اجتماعی به‌حساب می‌آیند (نبوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳). طبق نظریات مکتب کوپنهاگن، زنان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که هویت مخصوص به خود را دارند. عوامل متعددی



از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ها، تعهد مذهبی و... می‌توانند در ایجاد احساس امنیت در آن‌ها دخیل باشند؛ چنانکه این عوامل می‌توانند بر حقوق زنان، آزادی بیان و آزادی دینی تأثیرگذار باشند و به انواع تهدیداتی که بوزان به آن اشاره می‌کند، منتهی شوند.

## روش

پژوهش حاضر به شیوه کیفی و با استفاده از ابزار مصاحبه عمیق با نه نفر از دانشجویان دختر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، به بررسی ادراک آنان از احساس امنیت پرداخته است. این افراد به طور داوطلبانه از بین دانشجویان انتخاب شده و مورد پرسش قرار گرفته‌اند و از آنجا که هدف پژوهش مطالعه درک و تصور دانشجویان از احساس امنیت اجتماعی است، روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> مورد استفاده قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها، پس از پیاده کردن مصاحبه‌های ضبط شده و تبدیل آن به متن، کدگذاری اولیه و پس از آن کدگذاری گزینشی روی متن انجام گرفت، در مرحله نهایی از کدهای بدست آمده، مقوله‌ها به وجود آمدند تا امکان تحلیل نهایی یا ارائه گزارش را فراهم آورند.

## یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: در این قسمت ویژگی‌های جمعیت شناختی جامعه پژوهش ارائه می‌شود. این اطلاعات به طور خلاصه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

نوع منزل	شغل	مقطع تحصیلی	محل سکونت <sup>۲</sup>	وضعیت تأهل	سن
-	دانشجو	کارشناسی	خوابگاه	مجرد	۲۱
آپارتمانی	دانشجو	کارشناسی	همراه با خانواده	مجرد	۲۰
آپارتمانی	دانشجو	کارشناسی	همراه با خانواده	مجرد	۱۹
-	دانشجو	کارشناسی ارشد	خوابگاه	متاهل	۲۳
آپارتمانی	دانشجو	کارشناسی ارشد	همراه با خانواده	متاهل	۲۴
آپارتمانی	دانشجو	کارشناسی ارشد	منزل شخصی	مجرد	۲۶
-	پژوهشگر پاره‌وقت	دکترا	خوابگاه	مجرد	۲۵
آپارتمانی	پژوهشگر پاره‌وقت	دکترا	منزل شخصی	متاهل	۲۷
آپارتمانی	دانشجو	دکترا	همراه با خانواده	متاهل	۲۶

### 1. Thematic Analysis

۲. منظور همراه با خانواده یا خوابگاه دانشجویی یا منزل شخصی است.

یافته‌های استنباطی: در این قسمت یافته‌های حاصل از تحلیل متن مصاحبه‌ها ارائه می‌شود. تعریف امنیت از نگاه پاسخگویان: وقتی از دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش پرسیده شد که: «تعریفان از امنیت چیست؟» اکثر آن‌ها به نداشتن نگرانی از وقوع یک اتفاق ناخوشایند هنگام خروج از منزل اشاره نمودند. پاسخ دیگر به این سؤال که دارای بیشترین فراوانی نزد پاسخگویان بود، برخورداری از آزادی عمل است. برای مثال خانم شماره ۷ گفته است:

«به نظر من امنیت در داشتن آزادی عمل، اینکه مجبور نشم یک سری محدودیت‌ها رو واسه خودم قائل بشم، مجبور نشم حتی اگه کارم بیرون طول میکشه خودمو تا ساعت ۸ به خونه برسونم».

تعاریف دیگری که پاسخگویان از احساس امنیت بیان نمودند عبارتست از:

- نبودن خلاف کاران اطراف محل زندگی؛
- داشتن احساس آرامش روانی؛
- حمایت مالی از طرف خانواده (به این صورت که ماهانه مبلغی به حساب آن‌ها منتقل شود)؛
- مواجه نشدن با مزاحمت‌های دیگران (مخصوصاً مردان) در خیابان؛
- نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت می‌باشد این است که وقتی از پاسخگویان سؤال شد که تجربه ترس یا احساس ناامنی شدید داشته‌اند یا خیر، پاسخ آن‌ها بدون استثنا مثبت بوده و همگی (حداًقل یک‌بار) تجربه چنین احساسی را داشته‌اند.

ویژگی مکان‌های ناامن: معنای یک فضا و انواع رفتاری که با آن همراه است، با میزان قابلیت پدیداری یا شفافیت، گشودگی و سهولت دسترسی یا خروج از آن گره می‌خورد. یکی از راه‌های امن‌تر شدن (امن‌تر حس شدن) فضای شهر، ایجاد امکان نهفته رفتار تهدیدآمیز در طراحی محیط ساخته شده است. در این رابطه، نورپردازی بهتر خیابان درست همانند کاربرد روزافزون دوربین‌های تلویزیونی مداربسته در فضاهای همگانی و عمومی، یک سنجه مطلوب به شمار می‌آید. دوربین در ایجاد فضای قابل دفاع نقشی دوگانه بازی می‌کند؛ به‌سادگی بر مرز ایمنی و نظارت، بازدارندگی و حفاظت قرار می‌گیرد، هم کاری می‌کند و هم نمی‌کند (تانکیس، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

یکی از پاسخگویان (شماره ۳) اذعان داشته است که:

«خیابان همیشه برای من سرشار از ترس و استرس بوده چون اکثر ناامنی‌هایی که احساس کردم در

خیابان اتفاق افتاده»

شرکت‌کنندگان در پژوهش، ویژگی‌های زیر را برای مکان‌هایی که در آن احساس ناامنی می‌کنند

برشمردند:

- مکان‌های خلوت و تاریک (با بیشترین فراوانی نزد پاسخگویان)؛
  - مکان‌هایی که پلیس کمتر در آنجا حضور دارد؛
  - اتوبان‌ها و بزرگراه‌هایی که افراد پیاده کمتر در آنجا حضور دارند و بیشتر ماشین‌ها و ساختمان‌ها باشند؛
  - مسیرهایی که وسایل حمل‌ونقل عمومی در آن‌ها موجود نبوده است؛
- محل‌هایی که ساختمان مخروبه دارند - پل‌های عابر پیاده - مکان‌های خیلی شلوغ که امکان دستبرد و تماس فیزیکی وجود دارد. در این باره خانم شماره ۶ گفته است:
- «بازارهای سنتی یا جاهایی که خیلی شلوغ می‌شن اصلاً حس خوبی نداره چون آدم‌ها چه سهواً و چه عمدتاً دائماً خودشون رو به تو می‌زنن».

خانم شماره ۱ در ارتباط با ویژگی مکان‌های امن بیان کرده است:

«مکان امن به نظرم مکانی که همونقدر که یک آقا اونجا احساس امنیت می‌کنه یک خانم هم بتونه این حس رو داشته باشه. علاوه بر این آدم‌هایی که از اون مکان استفاده می‌کنن هم در احساس امنیت در اون مکان تأثیر می‌گذاره. اگر شما جایی واسه خرید بری که خیلی شیک و مدرن باشه، آدم‌هایی که اونجا میان خیلی با فرهنگن و این جور جاها شما کمتر احساس ناامنی می‌کنید، چون آدم‌هایی که اونجا هستند نوع رفتار و برخورد متفاوت‌تری دارند. ولی آدم‌هایی که توی مکانی مثل بازار هستند براشون زیاد مهم نیست که شما نیاز به حس امنیت دارید.»

همچنین خانم شماره ۸ گفته است:

«تجربه ما از اون مکان بر احساس ناامنی و تعمیم دادن اون ترس به مکان‌های مشابه خیلی تأثیر داره»  
 روش‌های پیشنهادی از سوی پاسخگویان برای مقابله با احساس ناامنی: زنان، به موازات سازگاری‌های فنی با محیط مصنوع، یاد می‌گیرند تا رفتارشان را عملاً سازگار کنند. تاکتیک‌های دفاعی می‌تواند به شکل اجتناب از مکان‌های خاص در مواقع معین، عدم استفاده از وسایط نقلیه خصوصی یا اینکه، ساده‌تر از همه، به تنهایی یا در شب، بیرون نیامدن باشد.

در این توصیه‌ی کلیشه‌ای که زنان نباید «همانند یک قربانی» قدم بزنند، چیزی عذاب‌آور وجود دارد؛ توگویی قربانیان از پیش تعیین‌شده از طریق طرز رفتارشان خودشان را لو می‌دهند و حتی خود را

تسلیم می‌کنند. با این همه زنان شانه‌هایشان را عقب می‌دهند و سرشان را بالا می‌گیرند، مصممانه قدم برمی‌دارند، کلیدهایشان یا هر چیز دیگری که می‌تواند فوری به‌عنوان سلاح به کار رود، دست می‌گیرند. در توصیه‌هایی که عموماً به زنان داده می‌شود تا اگر در تاریکی شب در خیابانی خود را تنها دیدند، چگونه عمل کنند، ماهیت تهدید فضا برای بسیاری زنان و ماهیت دلهره‌آوری که متوجه بدن زن در فضاست، آشکار است (تانکیس، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

مشارکت‌کنندگان راه‌حل‌های زیر را برای کاستن از احساس ناامنی پیشنهاد کرده‌اند:

- اعمال نظارت بیشتر از سوی پلیس؛
- افزایش روشنایی معابر؛
- بهبود وضعیت پیاده‌روهای کم‌عرض؛
- عدم تردد زنان به تنهایی و یا از مسیرهای پرآسیب؛
- پوشیده نبودن پل‌های عابر پیاده؛
- افزایش وسایل نقلیه عمومی تا ساعات طولانی‌تری از شب؛
- رعایت پوشش بیشتر از سوی زنان؛

پاسخگوی شماره ۴ به حذف باورهای مبتنی بر ضعف زنان اشاره کرده است:

«من خودم هم باید قوی باشم، آگاهی‌ام را افزایش بدم و خودم را ضعیف نبینم. از کودکی همیشه به ما گوشزد کرده‌اند که تو دختری نباید شب دیر به خونه برگردی... می‌خوام بگم ما خودمون هم درون خودمون این احساس ناامنی و ترس رو بیشتر کردیم.»

خانم شماره ۸ نیز می‌گوید:

«بخشی از احساس ناامنی ما به نوع تربیت و احساسی که از نظر ذهنی داریم برمی‌گردد؛ یعنی گاهی ممکن در واقعیت ناامنی وجود نداشته باشه و فقط در ذهن ما این احساس شکل بگیره. در مورد ذهنیت بحث جامعه‌پذیری و تربیت مطرح، اینکه چه چیزهایی در خانواده برای ما ناامن تلقی بشه.»

تأثیر جنسیت بر احساس ناامنی: گیل والتین<sup>۱</sup> (۱۹۸۹، ۱۹۹۲) اظهار می‌دارد که ترس زنان از خطر و کاربرد دفاعی فضا از این فرض سرچشمه می‌گیرد که خشونت مردانه هم در فضا و هم در زمان به شکل آموزشی انتشار می‌یابد (تانکیس، ۱۳۹۰: ۱۶۱). این پنداره که باید در وسط جاده قدم زد نه در پیاده‌رو، به معنای دقیق کلمه، زنان را از بودن در فضاهای عمومی معمولی کنار می‌گذارد. این شاید توصیه خوبی

باشد، اما این روش را مورد تأکید قرار می‌دهد که داشتن یک بدن زنانه می‌تواند یک دردرس فضایی باشد و فضاهای معین شهر چگونه به‌عنوان نوعی منطقه‌ی جدال تجربه می‌شوند.

وقتی که از پاسخگویان راجع به ارتباط زن بودن و احساس ناامنی سؤال شد به موارد زیر اشاره کردند:

- نگاه‌های خیره و جنسی مردان (دارای بیشترین فراوانی)؛

- مزاحمت‌های فیزیکی و کلامی به خاطر نوع پوشش؛

- محیط‌های مردانه‌ای که تعداد زنان در آن‌ها نسبت به مردان بسیار اندک است؛

تماس‌های عمدی یا سهوی مردان که در این رابطه خانم شماره ۱ گفته است:

«به نظرم این یک جور تبعیض، اینکه شما از ترس اینکه آقایان خودشان رو به شما زنند دائماً خودتو

کنار میکشی و به سختی میتونی از یک معبر عبور کنی. این مسئله دسترسی و استفاده شما رو از اون مکان به نفع مردان محدود میکنه».

پاسخگوی دیگری (شماره ۵) نیز بیان کرده است: «اگر شما یه ذره آرایش بیشتر باشه یا تیبت

خاص‌تر باشه، امکان نداره توی خیابون کسی به تو متلک نندازه...اگر نوع پوششت از عرف یه خورده متفاوت باشه، حتماً با مزاحمت‌های فیزیکی و کلامی رو به رو میشی».

خانم شماره ۲ آزار و تهدید جنسی را بیشتر مد نظر قرار داده و چنین اظهار داشته است: «اینکه من زن

هستم صددرصد در احساس ناامنی و ترس من تأثیر میگذاره، من مثل یک مرد آزاد نیستم و صد در صد

ترس من از آزار جنسی. چون میدونم اگه این اتفاق برام بیفته تارک دنیا میشم. ولی اگر مرد بودم هیچ

مشکلی نداشتم، کسی نمی‌تونست به خاطر مرد بودنم من رو مورد آزار و اذیت قرار بده».

احساس ناامنی و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی: ترس زنان از خشونت یا مزاحمت، می‌تواند برای سلب

حق مسلم آن‌ها از آزادی‌های فضایی و استقلالی که زندگی شهری از سوی دیگر نوید آن را می‌دهد، در نظر

گرفته می‌شود. والتین این الگوهای تحمیلی استفاده را همچون «بیان فضایی پدرسالاری»، قرائت می‌کند،

راهی که از آن طریق روابط قدرت جنسی شده، در نظم و عمل فضا بازتولید می‌شود. او می‌گوید ترس زنان

از خشونت جنسی و حدودی که بر حرکت‌های آنان در فضای شهری حاکم است، به‌عنوان انگیزه‌ی بعدی

زنان برای جلب حمایت یک مرد در چارچوب زوج ناهم‌جنس، عمل می‌کند (تانکیس، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

کمبود امنیت، در معرض خطر بودن و ترس از قربانی شدن، استفاده از قلمرو فضای عمومی و خلق

فضاهای شهری موفق را مورد تهدید قرار می‌دهد. درجایی که مردم احساس عدم آسایش می‌کنند و یا

می‌ترسند، قلمرو فضای عمومی تنزل می‌کند. عدم استفاده بعضی فضاها گاهی مربوط به ترس از حضور

در آن فضاها است. کوچه‌های تاریک، فضاهای خلوت و یا خیلی شلوغی که با آدم‌های ناجور پر شده‌اند، همچنین فضاهایی که اتفاقات خاصی در آن ممکن است رخ دهد از جمله این فضاها است. پیاده‌روهایی کم‌عرض و ورودی به مکان‌هایی که توسط گدایان، ولگردها و جوانان، بسته و یا سد می‌شوند نیز از جمله این فضاها هستند. به‌طور کلی زنان بیشتر از مردان از قربانی شدن ترس دارند (قرایی، ۱۳۸۹: ۲۱).

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این پرسش که «این احساس ناامنی چقدر زندگی روزانه شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟» به موارد زیر اشاره کردند:

- اجتناب از رفتن به برخی مکان‌ها؛
- استفاده از همراهی یک مرد (همسر/برادر/پدر) هنگام مراجعه به مکان‌های ناشناس؛
- محدود کردن ساعاتی که خارج از منزل هستند؛
- انتخاب مسیر طولانی‌تر برای کاستن از حس ناامنی؛
- تنها یک مورد به غلبه بر احساس ناامنی اشاره داشته است: «تا جایی که تونستم سعی کردم اجازه ندم عملکردم مختل بشه، سعی میکنم رعایت کنم ولی این مسئله نتونسته مانع از انجام کارهای روزانه و برنامه هام بشه با اینکه اون حس ترس رو داشتم.»

### بحث و نتیجه‌گیری

زندگی زنان در شهرها، همواره تحت تأثیر نبود امنیت شهری واقعی یا بالقوه است. این امر مانعی برای زنان است که نتوانند شهروندان فعال همه‌جانبه باشند. شهرها از نظر امنیت، جاذبه‌ای برای زنان ندارند و آن‌ها هنگام تردد در سطح شهر فاقد امنیت جسمی و روحی لازم هستند که این امر به‌ویژه در زمینه حمل‌ونقل و جابه‌جایی در شهر بیشتر نمایان می‌شود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که به‌طور کلی تصور زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش از احساس امنیت اجتماعی، در «داشتن آزادی عمل» و «عدم هراس از مواجهه با مزاحمت‌های مردان» است. مسئله بسیار مهم و تأسف بار اینکه، همه زنان مورد مطالعه اذعان داشته‌اند که بارها تجربه مزاحمت و به‌تبع آن احساس ترس و ناامنی را داشته‌اند. به نظر آنان مکان‌های خلوت و تاریک بویژه جاهایی که حضور پلیس در آن‌ها کم‌رنگ‌تر است بیشترین احساس ناامنی را ایجاد می‌کند. از اشارات پاسخگویان به نظر می‌رسد که مکان‌های شلوغ و پررفت‌وآمد باید احساس امنیت بیشتری را فراهم کند؛ درحالی‌که همین شلوغی برعکس عمل کرده و زمینه ایجاد مزاحمت‌های فیزیکی را از سوی مردان فراهم می‌کند.

راهکارهایی که مشارکت‌کنندگان برای مواجهه با احساس ناامنی بیان کرده‌اند، به دودسته قابل تقسیم است:

الف) اقداماتی که از سوی خودزنان صورت می‌گیرد؛ مثل تنظیم ساعات ورود و خروج از منزل و تغییر در وضعیت پوشش؛

ب) اقداماتی که از سوی دولت و سازمان‌های مربوط قابل اجرا است، همچون نظارت گسترده‌تر نیروی انتظامی و پلیس، تغییر در وضعیت روشنایی معابر و افزایش تعداد وسایل نقلیه عمومی تا ساعات طولانی‌تری از شب.

از سوی دیگر بسیاری از پاسخگویان تأکید بسیاری بر نقش جامعه‌پذیری و تربیت زنان و دختران در افزایش احساس ناامنی آنان داشتند تا جایی که می‌توان گفت گاهی ترس آنان چیزی فراتر از میزان ناامنی است که در واقعیت وجود دارد. در نهایت، همان‌طور که پیش‌ازین از زبان سایر محققان اشاره شد، این احساس ناامنی به محدودیت فعالیت مصاحبه‌شوندگان منتهی شده و اکثر آنان را از پرداختن به بسیاری از امور بازداشته است.

## منابع

- احمدی، محمد و کلدی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنجند و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه. سال سوم. شماره ۴. صص ۱-۱۹.
- افشانی، سید علیرضا و ذاکری، راضیه (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی میزان احساس امنیت زنان و مردان ساکن شهر یزد. مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳.
- بمانیان، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی و ضابطیان، الهام (۱۳۸۸). سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری. فصلنامه پژوهش زنان، دوره هفتم، شماره ۳.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تانکیس، فرن (۱۳۸۸). فضا، شهر و نظریه اجتماعی (مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری). ترجمه: حمیدرضا پارسی، آرزو افلاطونی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۷۸). چارچوب روش‌شناختی برای بررسی احساس امنیت. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، چاپ اول.
- حسینی نثار، مجید و قاسمی، علی (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در کشور. چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت ۹۱، مشهد مقدس.
- خادمی، علی (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه تجربی جوانان شهر تهران). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.

- ربانی، رسول (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهری. تهران. انتشارات سمت. چاپ دوم.
- رضوان، علی و فتحی، منصور (۱۳۷۸). بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی در محلات شهری؛ در ناحیه ۳ منطقه ۱۷ شهرداری تهران. علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- روی، پل (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی، ترجمه: منیژه نویدنیا، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، ش ۱۹، صص ۵۵-۷۶.
- طرح نظرسنجی (۱۳۸۲). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهرانی، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران. شماره ۱۸۹.
- قاسمی، راضیه و محمدی، اصغر (۱۳۹۲). بررسی میزان احساس امنیت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ۱۵ تا ۴۴ ساله شهرکرد. فصلنامه دانش انتظامی چهارمحال و بختیاری، سال اول، شماره ۲، تابستان ۹۲.
- قرایی فریبا؛ رادجهانبانی، نفیسه و رشیدپور، نازیلا (۱۳۸۹). بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری - نمونه موردی: مناطق ۲ و ۱۱ تهران. آرمان‌شهر، بهار و تابستان ۸۹، شماره ۴.
- کافی، امیر (۱۳۸۷). بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱.
- گروسی، سعیده (۱۳۸۶). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت)، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره دوم، صص ۲۶-۳۹.
- نادری حمداله؛ جاهد محمدعلی و شیرزاده مهین دخت (۱۳۸۹). بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی شهر اردبیل)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۲۱، صص ۵۹-۸۷.
- نایی، هوشنگ؛ علی خادمی؛ بهزاد رشنودی؛ رقیه امیری (۱۳۹۲). بررسی وضعیت احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر تهران. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی (۲۱).
- نبوی سیدعبدالحسین؛ حسین زاده علی حسین و حسینی هاجر (۱۳۸۸). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم، صص ۹-۳۶.
- نوروزی، فیض اله. فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران در دو بعد احساس امنیت در محیط خانواده و احساس امنیت در مکان‌های عمومی. فصلنامه راهبرد، دوره ۱۸، شماره ۵۳، صص ۱۲۹-۱۵۹.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۴). تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه‌های امنیت. مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره ۱، بهار ۸۵.
- Bell, W. (1998). Women and community safety. Safer Communities: Strategic Direction in Urban Planning, 10-11.
- Collins, A. (2002). Burma's civil war: A case of societal security. Civil Wars, 5(4), 119-134.
- Migliorini, L., Rania, N., Cardinali, P., & Manetti, M. (2008). Sense of safety and the urban environment: A study of preadolescents and adolescents. Medio Ambiente y Comportamiento Humano, 9(1y2), 69-89.
- Panić, B. (2009). Societal security—security and identity. Western Balkans Security Observer, (13), 29-38.
- Saleh, A. (2011) "Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security», Geopolitics Quarterly, 6(4), 228-241.